

گاهشمار ایرانی (1394)

{آریایی(هزاره بره) 12784، یزگردی باستانی 7040، زرتشتی 3753، هخامنشی 2574، خورشیدی
هجری 1394، ترسانی 2015-2016}

یکسال برابر با 365 روز و 5 ساعت 48 دقیقه و 45/5 ثانیه است.

گاهشمار 365 روزه	فروردین	اردیبهشت	خرداد	تیر	مرداد	شهریور	مهر	آبان	آذر	دی	بهمن	اسفند	پنجه اندرگاه
ایرانی کهن	30	30	30	30	30	30	30	30	30	30	30	30	5 با 6 روز
ایرانی نوین	31	31	31	31	31	31	30	30	30	30	30	29 یا 30	0
برج	بره	گاو	دوپیکر	خرچنگ	شیر	خوشه	ترازو	کژدم	کمان	بز	دال	ماهی	

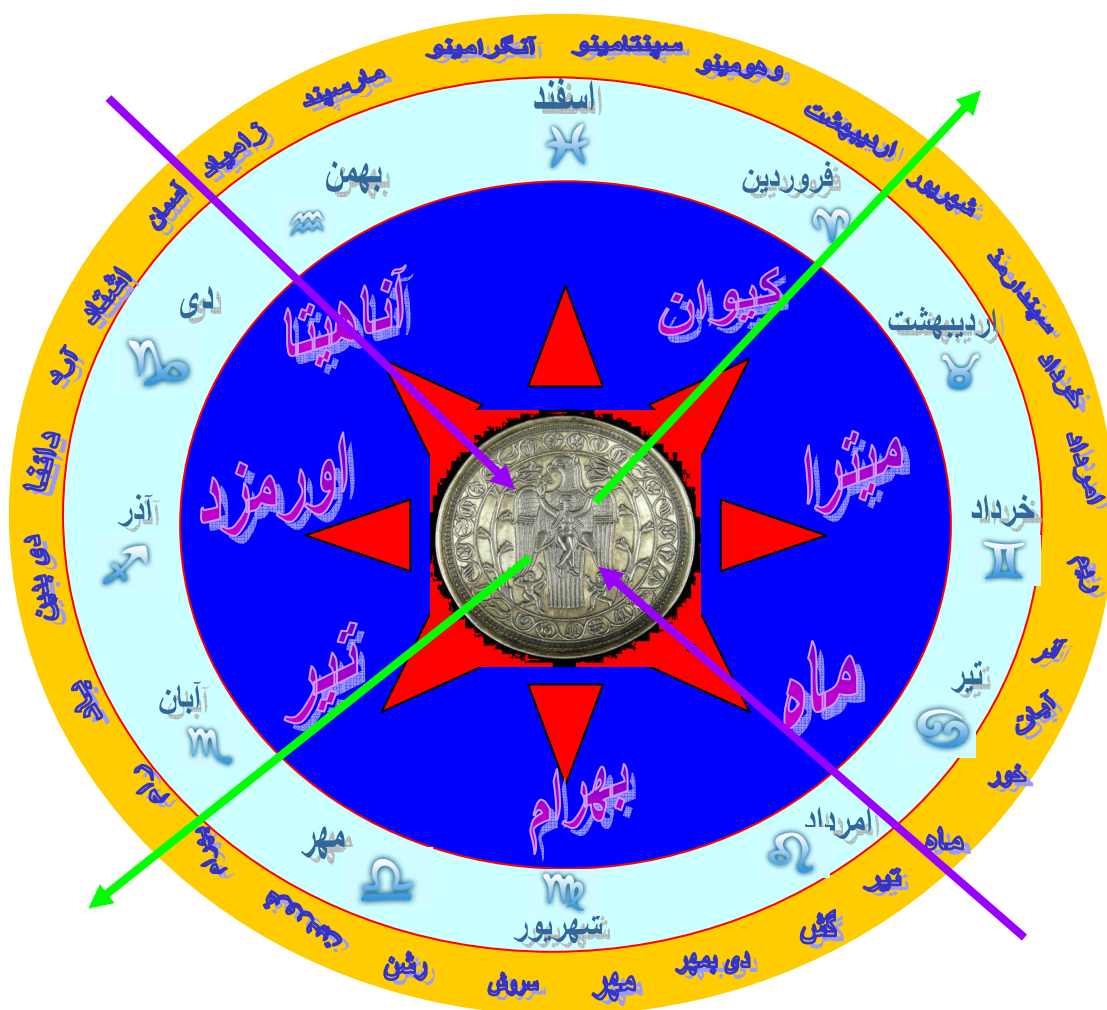
سال تحویل 1394 برابر با ساعت 2 و 15 دقیقه و 11 ثانیه روز شنبه 1 فروردین 1394 خورشیدی
هجری یا 21 مارس 2015 میلادی است.

جشن های ماهانه(دینی)

فروردینگان.....نوزدهم فروردین
اردیبهشتگان.....سوم اردیبهشت
خوردگان.....ششم خرداد
تیرگان.....سیزدهم تیر
امردگان.....هفتم مرداد
شهریورگان.....چهارم شهریور
مهرگان.....شانزدهم مهر
آبانگان.....دهم آبان
آذرگان.....نهم آذر
دیگان.....بیست و سوم دی
بهمنگان.....دوم بهمن
اسفندگان.....پنجم اسفند

جشن های ملی

نوروز.....اول فروردین
سیزده بدر.....سیزدهم فروردین
یلدا(شب چله).....سی ام آذر
سده(جشن آتش).....دهم بهمن
چهارشنبه سوری..بیست و یکم اسفند



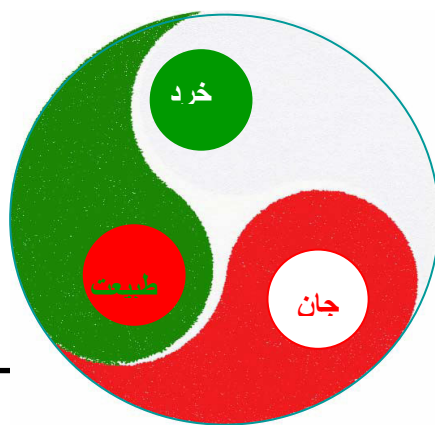
ماندالا (Mandala) ی هستی ایرانی

سیمرغ زرخدای ایران در ژرفای هستی، تخم تحول و شکوفایی،

آفریننده فراکهکشانی و خورشیدی،

هفت امشاسپند نخستین رویش تخم سیمرغ، بمتابۀ سیارات، ، پشتیبان روزهای هفته،

دوازده ایزد ماهانه بمتابۀ ستارگان، حامی تخم سی روز هستی طبیعت، جان و خرد.

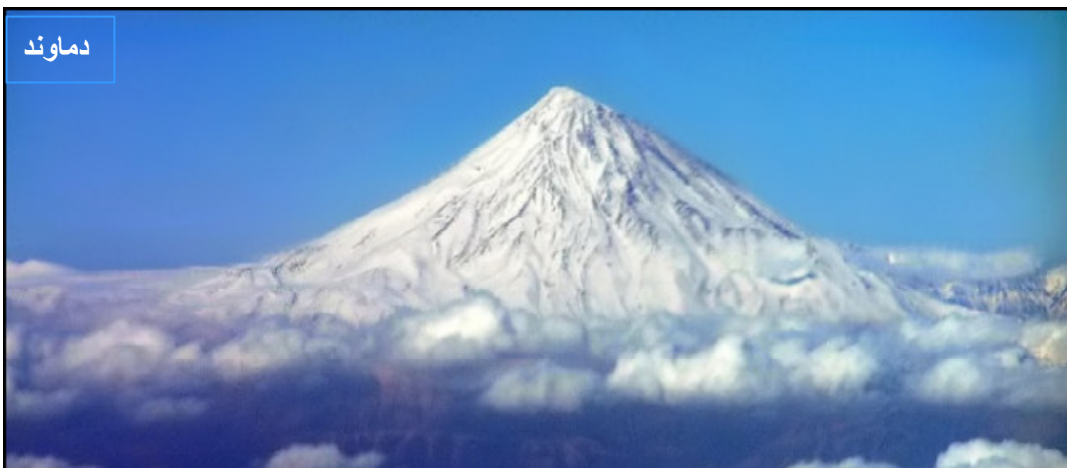


گاهشمار ایرانی پیشرو از ویژگی های زیر برخوردارست :

- ◆ گاهشمار خورشیدی هجری همراه معادل سالنامه ی میلادی (اعداد درون پرانتز) آن تدوین شده است،
- ◆ توضیحات کوتاهی در زمینه وجه معنایی نام ماه های ایرانی سال ارائه شده و فرتورهائی در مناسبت با نام ماه ها افزوده گردیده است،
- ◆ نام روزها برگرفته از باورهای دینی ایران باستان که منزلت ایزدان را داشتند در تمام ماه ها یادآوری شده است،
- ◆ با قید نام جشن ها و مراسم فرهنگی در روز های ماه توضیحات مبسوط در زمینه هردو وجه رفتاری و معنایی این جشن ها و پدیده های فرهنگی ارائه شده است.

جشن بطور عام و جشن های ایرانی بطور خاص به عنوان رفتارهای اجتماعی مردم به پشتهوانه ی سمبول ها، انگاره ها، احساسات، پندارها و خردها برگزار می شوند. بنابراین در برخورد با جشن ها علاوه بر بعد رفتاری (ظاهری) باید بعد معنایی (باطنی) آن ها نیز مد نظر قرار گیرند. مطالعه گاهشمارها، بویژه پرداختن به بعد معنایی جشن ها که فرهنگ اجتماع را بازتاب می دهد از اهمیت بسزائی برخوردارست.

گردآورنده جمشید جمشیدی



دماوند

هر گونه تکثیر یا نشر جزئی و کلی این گاهشمار بههدف کسب و تجارت و یا هر گونه اقدام دیگری بدون اجازه گردآورنده آن ممنوع است.

فروردین (ارتا فرورد) (Fravardin)



واژه فروردین مشتق از فرور، فروهر و یا فروهر مصطلح امروزیست. این واژه هم در ادبیات فرهنگ پیش از زرتشت و هم در آیین زرتشت از معنای والایی برخوردار بوده است. فرور روح یا گوهر خدائست که نیروی جنبش و انتخاب و تعیین سرنوشت به انسان می دهد. فرورها هرگز میرنده نیستند و بعد از مرگ به مبداء خود باز می گردند و به دریای خدای خود می پیوندند. همین فرورها هستند که در روز نوروز هر سال بقصد دیدار بازماندگان خود بر روی زمین رجعت می کنند.

بشقاب نقره ای که سیزده قرن پیش کشف شده است.

زنخدای سیمرغ نماد هم آهنگی و هم نوائی به همراه

دخترش رام (زهره) نماد طرب و پایکوبی درون شکم

مادر دیده می شود.

شنبه (کیوان روز) یکشنبه (خورشید روز) دوشنبه (ماه روز) سه شنبه (بهرام روز) چهارشنبه (تیر روز) پنجشنبه (اورمزد روز) آدینه (ناهید روز)

(3/27) 7 امرداد Amardad	(3/26) 6 خرداد Khordad	(3/25) 5 سپندارمذ Asfandarm azd	(3/24) 4 شهریور Shehrevan	(3/23) 3 اردیبهشت Ardibehesht	(3/22) 2 وهومینو (بهمن) (Vohoo-Mino	(3/21) 1 سپنتامینو نوروز
(4/3) 14 گش (گنوش) Gosh	(4/2) 13 تیر Tishtry	(4/1) 12 ماه Mohor	(3/31) 11 خور Khorshed	(3/30) 10 آبان (آناهیتا) Avan	(3/29) 9 آذر Adar	(3/28) 8 ریم Daepadar
(4/10) 21 رام Raam	(4/9) 20 بهرام Behram	(4/8) 19 فروردین Farvar din	(4/7) 18 رشن Rashnu	(4/6) 17 سروش Sraosha	(4/5) 16 مهر (میترا) Meher	(4/4) 15 دی بمهر Daepmeher
(4/17) 28 زامیاد Zamyad	(4/16) 27 آسمان Asman	(4/15) 26 اشتاد Ashtad	(4/14) 25 آرد Ashishvangh	(4/13) 24 دین (دننا) Din	(4/12) 23 دی بدین Daepdin	(4/11) 22 باد Govad
				(4/20) 31	(4/19) 30 آنگرامینو Angraman o	(4/18) 29 مارسپند Mahrespand

جشن **فروردین (فروردینگان)** در روز نوزدهم از ماه فروردین بر پا می گردد. در این روز مردم علاوه بر نظافت و سفیدکاری خانه های خود برای شادی ارواح (فروهرها) گذشتگان خود به گورستان می روند و به دعا می نشینند و در خانه های خود برای رهایی ارواح مشترکاً آتش مقدس می افروزند.-(نقل از تارنمای فرهنگ ایران)

نوروز- نوروز سر آمد جشن های ایرانی با خصلتی ملی و فراگیر هر ساله در روز نخستین از ماه فروردین برگزار می شود. این جشن یادگار فرهنگ کهن، نه فقط در میان اقوام گوناگون ایرانی از جمله فارس، آذری، کرد، بلوچ، لر، عرب، ترک و غیره برگزار می شود حتا فرای مرزهای ایران در کشورهای آسیای میانه، ترکیه، افغانستان و قسمتی از چین نیز نوروز گرامی داشته می شود. نوروز نماد همبستگی و پیوند اقوام گوناگون در ایران بوده و هست. نوروز مصادف با روز سر رسید جشن سده یا جشن نود روزه که با یلدا شروع می شود است. برگزاری جشن نوروز در روز اول سال نو و شروع فصل بهار از زمان صدارت سلطان جلال الدین ملکشاہ سلجوقی سومین از چهار سلطان مهم سلجوقی (1072-1092 میلادی) رایج می شود که با کمک وزیر خود، خواجه نظام الملک در سال 1072 میلادی سالنامه ای تدوین کردند که در آن روز اول بهار روز اول سال تعیین شده و این روز را رسماً بعنوان نوروز جشن گرفتند. این سالنامه به سالنامه جلالی موسوم است. قبل از این دوران نوروز در روزهای متفاوت جشن گرفته می شده است. نقش خیام شاعر نغزگوی و منجم توانای ایران را در تدوین سالنامه جلالی نباید فراموش کرد. روایت ها و تعبیرات گوناگونی در باره پیدایش این جشن شده است که به اختصار به آن ها اشاره می شود.

1- نوروز در استوره- روایت است که برای اولین بار جمشید (یاما، یاما) انسان نخستین و آرمانی در فرهنگ استوره ای ایران باستان این جشن را برگزار کرده است. جمشید با گوهر خدائی و نماد انسان ایرانی سعی داشت تا بر روی زمین بهشت بسازد. روایت است که او در طول حکومتش خود خشت ساخت، نیشکر را کشف کرد، جامه بیافت و مردم را از خشکسالی نجات داد. جمشید بود که با آگاهی از تناوب 365 روزه سال، مردم را به بزرگداشت این روز گرد آورد و به شادی و سرور تشویق کرد.

به روایت شاهنامه روز بر تخت نشستن جمشید را نوروز خواندند:

به جمشید بر گوهر افشاندند،

مر آن روز را روز نو خواندند،

بزرگان به شاد بیاراستند،

می و جام و رامشگران خواستند،

چنین جشن فرخ در این روزگار،

بماندست از آن خسروان یادگار

نوروز روز تولد خدای ایران باستان وایو، دیو و یا خود سیمرغ است که به سپنتامینو نیز نامیده می شده است. این خدا که به رپیتاوین (دختر زیبای روی جوان) روایت شده است همزمان با روز سده (پنجاه روز قبل از شروع بهار) به زیر زمین می رود تا زمین را گرم و آماده شکوفائی کند. در روز نوروز به همراه شکوفائی و سرسبزی طبیعت به روی زمین باز می گردد و با هفت سُرنا (سُرنای یا شیبور) بر گیتی می دمد و جان خفته ی جانداران را دوباره به زندگی بر می انگیزد. (نقل از منوچهر جمالی)

جای این هفت سُرنا را هفت سین گرفت. چهاربندی های زیر سرود این هفت سُرنا را زنده می کند.

تا نوای سُرنا در گلستان جان دمید،
خوابِ دیرین شد ز چشمانِ زمستان ناپدید.
روزگارا، هفت سُرنا را به گوش جان نواز،
چشم را بیدار دار و سینه ها را پُر امید.

#####

روزگارا، گلشنِ نوروز را پُر کن،
شهد پیروزی به کامِ مرد و زن بسیار کن.
ایر را جان بخش ساز و ماه را آئینه دار،
بد دلان را دور، با ما نیکوان را یار کن.

#####

روزگارا، تازه شد هستی در آغاز بهار،
جشن جمشید جهان بین را جهان آرا بدار.
مهر افزون کن درون سینه ها در سال نو،
قَر شادی را به جامِ زندگی از نو بیار.

#####

روزگارا، جشن ما را نو به نو جاوید ساز،
سینه را پُر مهر از سینه ی جمشید ساز.
رنج را آسان بنه بر مردم بر گشته بخت،
چشم نیکو مردمان را دیده ی خورشید ساز.

(اشعار از مردو آناهید است. <http://www.farhangiran.com/content/view/1498/46>)

2- نوروز در باورهای دینی- پیروان آئین زرتشت بر این باورند که اهورامزدا طی هفت روز کیهان و موجودات را خلق کرده است و نوروز روز آخرست که خلقت با آن کامل می شود. از ده روز قبل مردم با پایکوبی و شادمانی و برافراختن آتش (توی حیاط یا پشت بام) به استقبال این روز می روند. سررسید نوروز روز گرمی داشت اهورامزدا یا اورمزد نیز هست. لازمست در حاشیه بدانیم که با غالب شدن آئین زرتشتی اورمزد به جای زنجادی دیرینه ایرانیان سپنتامینو (سیمرغ) نشانده می شود.

اعتقاد دینی دیگری که پشتوانه برگزاری جشن نوروزست بازگشت فَرورها یا ارواح گذشتگان نیک بر روی زمین است (این پدیده در ایران امروز به عرّفه یا علفه مشهورست). برای خشنودی فرورها باید خانه ها پاکیزه و زیبا و دلپذیر بشوند و آتش افروزی بر پا شده باشد تا آن ها با رضایت به مبدع خود در آسمان مراجعت کنند.

3- نوروز در تاریخ- برخی نوروز را به روز ظهور زرتشت منتسب می کنند، ولی زرتشتیان روز ششم فروردین را سالروز تولد زرتشت مقرر کرده اند و هر ساله این روز را جشن می گیرند. برخی نوروز را به رویداد تاریخی در زمان امپراتوری هخامنشی نسبت می دهند. در روز معینی در تاریخ 612 پیش از میلاد زمانی که هخامنشیان رهبر مادیان آن زمان شهر نینوا، پایتخت امپراتوری آشوری را تسخیر کرد آن روز را روز خجسته نوروز نامیدند و جشن و سرور بر پا کردند.

بالاخره اهمیت این روز در دربار خاندان هخامنشیان مورد تأیید بوده است. کوروش در روز نوروز بابل را فتح می کند و منشور آزادی آئین ها و باورهای دینی (متن این منشور در صفحات بعدی تحریر شده است) را اعلام می کند. نوروز هر سال داریوش در کاخ تخت جمشید (پارسه) با برگزاری مراسم بارعام و میهانی شاهانه برای نمایندگان امپراتوری (خشترپوا یا به یونانی ساترپ ها) این روز را جشن می گرفت.

4- نوروز در هم آهنگی با رویدادهای نجومی- نوروز مصادف با روز اول بهار، روزی است که درست حرکت سالانه خورشید به انقلاب بهار (اعتدال ربیعی)، یا زاویه شرقی نود درجه از شمال و نود درجه از جنوب زمین می رسد. در این روز طول شب و روز یکسانست. فرا رسیدن بهار و شکوفا و سرسبز شدن طبیعت الهام دهنده نوزائی، آفریندگی و سرسبز شدن زندگی در تمام عرصه های آن قلمداد شد. مردم با الهام از این پدیده طبیعی با خانه تکانی و نظافت محل زندگی خود و تدارک سفره هفت سین (سیر، سرکه، سمنو، سماق، سبزی، سنجد، سیب) و به تن کردن لباس نو و زیبا به هم آهنگی با طبیعت نو و سرسبز و شکوفا می پردازند.

طبیعت در بهار با همه ی تنوعاتش در تعادل و توازن جلوه می کند. هم آهنگی با این طبیعت که در آداب و رسوم نوروزی و سیزده بدر جلوه دارد در ضمن هم آهنگی با تمام تنوعات آن نیز هست. در مناسبت نوروز و سیزده بدر است که مردم فرصت می یابند تا در مدرسه عظیم طبیعت این آموزه بزرگ که **وحدت در هم آهنگی تنوعات** راز پایداری و بهروزی است را فراموش نکنند.

سیزده بدر- روز سیزدهم از ماه فروردین، روز ایزد تیر، مردم پس از دوازده روز شادی و پایکوبی نوروزی این روز را خارج از خانه های خود در دشت و صحرا ("در" در سیزده بدر) سپری می کنند. سیزده هفت سین نوروز را در آب می اندازند، سبزه گره می زنند و بدینوسیله جشن طولانی نوروز را به پایان می رسانند. در باره رسم سیزده بدر نیز روایات بسیاری شده است که مختصراً به گوشه ای از آن ها اشاره می شود.

1- سیزده و سیزده بدر در استوره- نقل از کتاب (رستاخیز سیمرغی صفحه 78 نگارش منوچهر جمالی):

"....وقتی در هفت امشاسپند نیز، شش تا از آن ها تخم می گفتند (6 ضریبی از 3 است)، آنگاه، شش تخمه، تبدیل به 12 میشد (هر تخمه نطمه نرینه و ماده دارد- ج ج)، و با یکی که آتش نهفته است میشود سیزده. از این رو عدد سیزده از مقدس ترین اعداد زرخدائی بوده است. و سیزده بدر به هیچ روی بیرون کردن نحسی نبوده است. این شیوه تأویل شیوه تأویل مردسالاری بوده است. چون مردسالاری روی عدد 12 پافشاری میکرد (که ضریبی از دو بود و دو نماد مرد است) و آنرا عدد مقدس نرینه میدانست. از این رو سیزده را نحس دانست. سیزده در سال نو بدر میرفتند (از خانه بیرون میرفتند)، و این در همان راستای ایده کلی جوان سازی و نوسازی جهان بود. ترک خانه، ترک نظم پوسیده گذشته بود..."

2- مراسم سیزده بدر- فارغ از انگاره های دینی قومی، خانواده ها با آماده کردن غذا و ابزار تفریح و بازی به دامن صحرا و طبیعت می روند و بر حسب عادت مراسمی را بر گزار می کنند. در فرهنگ عامه برای رسم های سیزده بدر معانی تمثیلی آورده شده است: شادی و خنده در این روز به معنی فروریختن اندیشه های تیره و پلیدی، روبوسی نماد آشتی و بمنزله ترکیه، خوردن غذا در دشت نشانه فدیه گوسفند بریان، به آب انداختن سبزه های تازه رسته نشان هدیه به ایزد آب یا "آناهیتا" و گره زدن سبزه برای باز شدن بخت و تمثیلی برای پیوند زن و مرد و تسلسل نسل ها، و رسم اسب دوانی یادآور کشمکش ایزد باران و دیو خشکسالی است. پرتاب سیزده سنگ به پشت به نشانه دور کردن دشمنی ها و پلیدی صورت می گیرد.

منشور حقوق بشر کوروش:

"منم کوروش، شاه جهان، شاه بزرگ، شاه دادگر، شاه بابل، شاه سومر و آكد، شاه چهار گوشه جهان. پسر كمبوجيه، شاه بزرگ...نوه كوروش، شاه بزرگ...نبيره چيش پيش، شاه بزرگ..."



منشور حقوق بشر كوروش بر روى استوانه
گلى(موزه انگلستان)

كوروش

آن گاه كه بدون جنگ و پيكار وارد بابل شدم، همه مردم گام هاى مرا با شادمانى پذيرفتند. در بارگاه پادشاهان بابل بر تخت شهريارى نشستم. مردوك خداى بزرگ دل هاى پاك مردم بابل را متوجه من كرد... زيرا من او را ارجمند و گرامى داشتم. ارتش بزرگ من به صلح و آرامى وارد بابل شد. نگذاشتم رنج و آزارى به مردم اين شهر و اين سرزمين وارد آيد. وضع داخلى بابل و جاىگاه هاى مقدسش قلب مرا تكان داد...من براى صلح كوشيدم. من برده دارى را برانداختم، به بدبختى آنان پايان بخشيدم. فرمان دادم كه همه مردم در پرسش خداى خود آزاد باشند و آنان را نيازارند. فرمان دادم كه هيچ كس اهالى شهر را از هستى ساقط نكند. مردوك خداى بزرگ از كردار من خشنود شد... او بركت و مهربانى اش را ارزانى داشت. ما همگى شادمانه و در صلح و آشتى مقام بلندش را ستوديم... من همه شهرهاى را كه ويران شده بود از نو ساختم. فرمان دادم تمام نيابشگاه هاى كه بسته شده بودند را بگشايند. همه خدايان اين نيابشگاه ها را به جاهاى خود باز گرداندم. همه مرماني كه آورده و پراكنده شده بودند را به جاىگاه هاى خود بر گرداندم و خانه هاى ويران آن ها را آبد كردم. همه مردم را به همبستگى فرا خواندم. همچنين پيكره خدايان سومر و آكد را كه نبويد بدون واهمه از خداى بزرگ به بابل آورده بود، به خشنودى مردوك خداى بزرگ و به شادى و خرمى به نيابشگاه هاى خودشان باز گرداندم. بشود كه دل ها شاد گردد. بشود خدايان كه آنان را به جاىگاه هاى نخستين شان باز گرداندم، هر روز در پيشگاه خداى بزرگ برايم زندگاني بلند خواستار باشند. بشود كه سخنان پر بركت و نيك خواهانه برايم بيايند. بشود كه آنان به خداى من مردوك بگويند: "به كوروش شاه، پادشاهى كه ترا گرامى ميدارد و پسرش كمبوجيه، جاىگاهى در سراى سپند ارزانى دار". من براى همه مردم جامعه اى آرام فراهم ساختم و صلح و آرامش را به تمامى مردم اعطا كردم."

اردیبهشت (Ardibehesht)



اردیبهشت یا اشه و همیشه یکی از امشاسپندان نزدیک اورمزد است که نماد درستی و قانون حاکم بر جهان قلمداد می شود. در استوره های ایران باستان اردیبهشت یا ارتا وهیشت بمانند آب، با اصل آمیزندگی و هم آهنگی یا مینوی مینوان که بهمن بوده است، مترادف انگاشته می شده است. انسان هم گوهر با ارتاوهیشت با وجدان آفریننده از قابلیت به اندیشدن درست و هم آهنگی و آمیزندگی در جهان برخوردار بوده است. در آئین زرتشت این توانایی از خدایان باستانی و انسان گرفته و به اورمزمند منتقل می شود.

در فرهنگ استوره ای ایران، انسان با نی این همانی داده شده است. چرا که نی از خاصیت خودروئی (خود بنیادی)، بندهای هم اندازه (تعادل و اندازه)، شیره داری (چسبندگی و پیوند) و نواسازی (نماد موسیقائی) برخوردار است.

شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	آدینه
			1 (4/21) سپنتامینو (اورمزد)	2 (4/22) وهومینو (بهمن)	3 (4/23) اردیبهشت	4 (4/24) شهریور
5 (4/25) سپندارمذ	6 (4/26) خرداد	7 (4/27) امرداد	8 (4/28) ریم	9 (4/29) آذر	10 (4/30) آبان (آناهیتا)	11 (5/1) خور
12 (5/2) ماه	13 (5/3) تیر	14 (5/4) گش	15 (5/5) دی بمهر	16 (5/6) مهر	17 (5/7) سرو □	18 (5/8) رشن
19 (5/9) فروردین	20 (5/10) بهرام	21 (5/11) رام	22 (5/12) باد	23 (5/13) دی بدین	24 (5/14) دین (داننا)	25 (5/15) آرد
26 (5/16) اشتاد	27 (5/17) آسمان	28 (5/18) زامیاد	29 (5/19) مارسپند	30 (5/20) انگرامینو	31 (5/21)	

جشن اردیبهشتگان در روز سوم از ماه اردیبهشت برگزار می گردد. اردیبهشتگان خجسته روزیست که در آن مردم با پوشش سفید که نماد پاکی و بی آلاشی است در برابر آتش مقدس به نیایش یزدان بزرگ می پردازند و با الهام از این امشاسپند که نماد بهترین راستی ها و حسن اخلاق یا اشه و همیشه بوده است، این روز را سپری می کنند. نیایش این روز نیز همراه با شادمانی و سرور بر قرار می گردد.

خرداد (Khordad)



امشاسپند خرداد یا هنورتات، نماد کمال در جهان مینوی، موکل و حامی آب بر روی زمین، نماد شادی و خوش زیستی دینوی بوده است. خوش زیستی و شادمان گذراندن در دنیا نه فقط منحط و بی قدر نیست بلکه مسیر شکوفایی و تکامل در راستای تعالی به اوج خدایان قلمداد می شده است. در متن های فرهنگ سیمرغی خرداد و خوش باشی یکی از چهره ها یا همزادان سیمرغ قلمداد می شده، که همسان با آرزوی انسان به فراز خدائی بوده است.

طرب عشق ابدم، زخمه عشرت بزنم
ریش طرب شانه کنم، سبلت غم را بکنم
تا همه جان شود، چونکه طرب ساز شود
تا سرخم باز شود، گل ز سرش دور کنم
طرب منم طرب منم، زهره زند نوای من
عشق میان عاشقان شیوه کند برای من...مولوی

شنبه یکشنبه دوشنبه سه شنبه چهارشنبه پنجشنبه آدینه

1 (5/22) سپنتامینو (اورمزد)						
2 (5/23) وهومینو (بهمن)	3 (5/24) اردیبهشت	4 (5/25) شهریور	5 (5/26) سپندارمذ	6 (5/27) خرداد	7 (5/28) امرداد	8 (5/29) ریم
9 (5/30) آذر	10 (5/31) آبان (ناهیتا)	11 (6/1) خور	12 (6/2) ماه	13 (6/3) تیر	14 (6/4) گش	15 (6/5) دی بهمر
16 (6/6) مهر	17 (6/7) سرو □	18 (6/8) رشن	19 (6/9) فروردین	20 (6/10) بهرام	21 (6/11) رام	22 (6/12) باد
23 (6/13) دی بدین	24 (6/14) دین (دانا)	25 (6/15) آرد	26 (6/16) اشتاد	27 (6/17) آسمان	28 (6/18) زامیاد	29 (6/19) مارسپند
30 (6/20) انگرمینو	31 (6/21)					

جشن خوردادگان در روز ششم از ماه خرداد برگزار می گردد. در این روز مراسمی در رابطه با آب و چشمه و رودخانه همراه با دعاخوانی، شادمانی و پایکوبی برگزار می شده است. یکی از مراسمی که بیرونی ذکر می کند غسل و شستشوی ویژه ای بوده است که مردم در این روز انجام می دادند. مخصوصا کشاورزان برای خشنودی از دهش آب و باران بیشتر به این جشن ارج نهاده و از آن سپاسگزاری و پاسداری می کنند.

تیر (تیشتر) (Tishtry)



تیر ایزد دیگریست که باعث بارش باران و رونق زراعت می گردد. در ایران باستان تیر یکی از امشاسپندان سیمرغ است که تخم های او را در اقصا نقاط جهان می افشاند تا بشکوفند و بارور شوند. داستان آرش کمان گیر که جان خود را در کمان کرد و مرز ایران و توران را تعیین کرد، با الهام از این ایزد نقل شده است. تیشتر نام ستاره (ستاره سگ مهتر) خیره کننده ایست که با این ایزد یا با خود سیمرغ این همانی داده شده و در فصل خشکسالی نیرومند می شده است.

ستاره تیشتر یا Sirius بعداً به ستاره میترا معروف شده است که در داخل و خارج ایران به همراه باورهای میترائیسم مورد نیایش و ستایش قرار می گیرد.

شنبه یکشنبه دوشنبه سه شنبه چهارشنبه پنجشنبه آدینه

		1 (6/22) سپنتامینو (اورمزد)	2 (6/23) وهومینو (بهمن)	3 (6/24) اردیبهشت	4 (6/25) شهریور	5 (6/26) سپندارمذ
6 (6/27) خرداد	7 (6/28) امرداد	8 (6/29) ریم	9 (6/30) آذر	10 (7/1) آبان (آناهیتا)	11 (7/2) خور	12 (7/3) ماه
13 (7/4) تیر	14 (7/5) گش	15 (7/6) دی بمهر	16 (7/7) مهر	17 (7/8) سرو □	18 (7/9) رشن	19 (7/10) فروردین
20 (7/11) بهرام	21 (7/12) رام	22 (7/13) باد	23 (7/14) دی بدین	24 (7/15) دین (داننا)	25 (7/16) آرد	26 (7/17) اشتاد
27 (7/18) آسمان	28 (7/19) زامیاد	29 (7/20) مارسپند	30 (7/21) انگرامینو	31 (7/22)		

جشن **تیرگان** را در روز سیزدهم از ماه تیر برگزار می کردند ولی ظاهراً در سالنمای جدید در روز دهم ماه تیر به مدت ده روز (تا روز ایزد باد) برگزار می کنند. چون این روز مصادف است با گرمای تابستان، همراه نیایش مخصوصی آب روی بچه ها می پاشند و به یکدیگر هدیه می دهند، و با صرف تنقلات به فال گیری و شادی می گذرانند. "نیایش میترا" و "نیایش خورشید" در این روز ارتباط این همانی تیر (ستاره تیشتر) را با میترا توجیه می کنند. رسم جالبی که در این روز قابل ذکر است تدارک بند ابریشمی است که به دور هدایا می بستند و سپس این بندها را باز کرده به دور مچ دست خود می بستند و بعد از بازی و شادی در روز آخر بدست ایزد باد در هوا رها می کردند.



آمرداد (Amardad)

امرداد یا امرتات (اوستائی) به معنای بی مرگی و جاودانی در جهان مینوی است. امرتات یکی از شش امشاسپند است که موکل و حافظ گیاهان بر روی زمین شمرده می شود. این امشاسپند به همراه خرداد موکل و پرستار آب بر روی زمین در کنار هم می آیند. این دو ایزد لازم و ملزوم و مکمل یکدیگرند.

پرستاری از آب و گیاه جزء مهمی از فرهنگ فراگیر زمینی و آسمانی ایران باستان بشمار می آمده است.

شنبه یکشنبه دوشنبه سه شنبه چهارشنبه پنجشنبه آدینه

(7/24) 2 وهومینو (بهمن)	(7/23) 1 سپنتامینو (اورمزد)					
(7/31) 9 آذر	(7/30) 8 ریم	(7/29) 7 امرداد	(7/28) 6 خرداد	(7/27) 5 سپندارمذ	(7/26) 4 شهریور	(7/25) 3 اردیبهشت
(8/7) 16 مهر	(8/6) 15 دی بمهر	(8/5) 14 گش	(8/4) 13 تیر	(8/3) 12 ماه	(8/2) 11 خور	(8/1) 10 آبان (آناهیتا)
(8/14) 23 دی بدین	(8/13) 22 باد	(8/12) 21 رام	(8/11) 20 بهرام	(8/10) 19 فروردین	(8/9) 18 رشن	(8/8) 17 سرو □
(8/21) 30 انگر امینو	(8/20) 29 مارسپند	(8/19) 28 زامیاد	(8/18) 27 آسمان	(8/17) 26 اشتاد	(8/16) 25 آرد	(8/15) 24 دین (دانا)
						(8/22) 31

جشن **آمردگان** در روز هفتم از ماه امرداد برگزار می گردد. برهان قاطع بر آنست که فارس ها این روز را عید ساخته و آن را جشن نیلوفر خوانند. در این روز هر حاجتی از پادشاه خواستی البته روا شدی. بموجب تقویم ترکمنی "یلدیراق" روز بیست و یکم از ماه امرداد را روز طلوع ستاره شباهنگ (تیشتر) می دانند و برای تماشای آن به بلندی می روند و انتظار دیدار آن را در آسمان بامدادی می کشند (رضا مرادی غیاث آبادی).

ماه امرداد از این جهت که مصادف با هنگامی است که خورشید بر روی برج شیر (اسد) می آید از اهمیت خاصی برخوردار شده است.

شهریور (Shehrevār)



شهریور یکی از شش امشاسپندان است که در متن های اوستانی به خشترونیریه (khshathra-vairya) معرفی شده و جمعاً به معنای پادشاهی یا کشور آرزومندانه می باشد. این امشاسپند موکل فلزات ، ابزار بر روی زمین است، اما به روایتی خشت پیشوند خشترو در متن های فرهنگی باستان حکایت از هم بستگی و هم آرائی در سطح جامعه می کند که در متن های دینی متاخر به داشتن فلز و ابزار جنگی مسخ شده است.

آرم شکوه رهبری و فرمانروائی، حلول فروهر (فَر) در تن رهبر شایسته. حلقه در دست نشانه واگذاری فروهر، بال سه چین بیان اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک و سه چین دامن فروهر بیان اندیشه بد، گفتار بد و کردار بد است. دو روبان آویزان به جای پای مرغ اصل دو گانه ی نیک و بد را خاطر نشان می کند.

شنبه یکشنبه دوشنبه سه شنبه چهارشنبه پنجشنبه آدینه

6 (8/28) خرداد	5 (8/27) سپندارمذ	4 (8/26) شهریور	3 (8/25) اردیبهشت	2 (8/24) وهمینو (بهمن)	1 (8/23) سپنتامینو (اورمزد)	
13 (9/4) تیر	12 (9/3) ماه	11 (9/2) خور	10 (9/1) آبان (آناهیتا)	9 (8/31) آذر	8 (8/30) ریم	7 (8/29) امرداد
20 (9/11) بهرام	19 (9/10) فروردین	18 (9/9) رشن	17 (9/8) سرو □	16 (9/7) مهر	15 (9/6) دی بمهر	14 (9/5) گش
27 (9/18) آسمان	26 (9/17) اشتاد	25 (9/16) آرد	24 (9/15) دین (داننا)	23 (9/14) دی بدین	22 (9/13) باد	21 (9/12) رام
			31 (9/22)	30 (9/21) انگرامینو	29 (9/20) مارسپند	28 (9/19) زامیاد

جشن شهریورگان در شهریور روز، روز چهارم از ماه شهریور برگزار می گردد. شهریورگان یکی از جشن های آتش (آذرخش اول) به شمار می آید. در باره این که آیا این جشن با آذرگان که در روز نهم از ماه آذر که با بر پائی آتش برگزار می شده یکسان است یا دو جشن متفاوت اند در متن های مربوطه اتفاق نظر دیده نمی شود. بهر حال در این روز مردم با بر پاکردن آتش در خانه های خود یا بر بالای بام ها (آتش بوم) و یا در آتشکده ها و تهیه خوراک های ویژه به شادی و سرور می پرداختند.



مهر (میترا) (Meher)

ایزد مهر در فرهنگ ایران تاریخی بس کهن دارد. او به عنوان مظهر نور و روشنایی، با خورشید این همانی داده می شود. در فرهنگ سیمرغی چهره ای از ویژگی های خود سیمرغ، نماد پیوستگی است. حال آن که ایزد مهر در آئین زرتشت و میترائیسم نماد پیمان و تبعیت بوده است. با رشد و غلبه میترائیسم، میترا به خدای برتر و خالق کیهان تعالی می یابد. میترائیسم با نفوذ بر فرهنگ های جهان به نوع غربی در اروپا و شرقی آن در هند و چین و ژاپن گسترش پیدا می کند. سر اندیشه های میترائیسم را می توان در بودیسم ژاپن به وفور یافت. بودیسم ژاپن را اصولاً بودیسم میترائی می گویند.

میترا (ایران، اروپا)، مایتریا (هند)،
میل جیائو (چین)، می روکو (ژاپن)،
این فرتور میترا شرقی یا قندهاری
را نشان میدهد.

شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	آدینه
				1 (9/23) سپنتامینو (اورمزد)	2 (9/24) وهومینو (بهمن)	3 (9/25) اردیبهشت
4 (9/26) شهریور	5 (9/27) سپندارمذ	6 (9/28) خرداد	7 (9/29) امرداد	8 (9/30) ریم	9 (10/1) آذر	10 (10/2) آبان (آناهیتا)
11 (10/3) خور	12 (10/4) ماه	13 (10/5) تیر	14 (10/6) گش	15 (10/7) دی بمهر	16 (10/8) مهر	17 (10/9) سرو □
18 (10/10) رشن	19 (10/11) فروردین	20 (10/12) بهرام	21 (10/13) رام	22 (10/14) باد	23 (10/15) دی بدین	24 (10/16) دین (داننا)
25 (10/17) آرد	26 (10/18) اشتاد	27 (10/19) آسمان	28 (10/20) زامیاد	29 (10/21) مارسپند	30 (10/22) انگرامینو	

جشن **مهرگان** در روز شانزدهم از ماه مهر برگزار می گردد و در روایتی بمدت شش روز با شروع از دهم مهر برقرار می شده است. جشن مهرگان یکی از پنج اعیاد با شکوه، در ردیف نوروز، تیرگان، یلدا و سده بوده است. در این روز با خوردن

هفت نوع میوه و مالیدن روغن "بان" بر بدن و پوشیدن لباس های الوان و بر پا کردن آتش و گستردن سفره ای پر مایه مزین از اوستا، آئینه، سرمه دان، سیوی شراب، شیشه گلاب و گل نیلوفر جشن را برگزار می کرده اند.

مهرگان آمد و سیمرغ بجنبید زجای تا کجا پر زند امسال و کجا دارد رای....."فرخی سیستانی".

جشن مهرگان بازتابی از باورهای دینی، اخلاقی و رویدادهای تاریخی می باشد. ایزد مهر در باورهای استوره ای و دینی ایرانیان در چنین روزی تولد یافته و حامی صلح و صفا، عطف و مهربانی و پیمان بشمار می رود. بنابراین جشن را به نام او برگزار کردن، تجدید عهد با او و الهام از ویژگی های اخلاقی این الهه تعبیر می شده است. از نقطه نظر تاریخی این روز را منسوب به پیروزی فریدون بر ضحاک (اژدهاک) و سپس روز تاجگذاری فریدون می دانند. فریدون با کمک کاوه آهنگر که از حمایت الهه مهر برخوردار بوده است کار ضحاک را یکسره می کند.

روایت است که اردشیر بابکان و داریوش در روز مهر بر تخت می نشینند و داریوش فرمان می دهد تا مدارس و کارهای بزرگ مملکت را در این روز رتق و فتق کنند. به باوری شروع آموزش در مدارس و دانشگاه های کنونی که در ماه مهر صورت می گیرد از باورهای مهرپرستی الهام گرفته است.

بنابر نظر محققان برگزاری جشن مهرگان تاریخی بس کهن تر از پیدایش آئین زرتشت دارد. گرامی داشت روز مهرگان در سرزمین های ایران باستان به مناسبت پاسداری از مهر یا خدای خورشید که در بابل به شمش مشهور بوده است بر گزار می شده است. جشن مهرگان ضمناً گرامی داشت اولین روز پائیز، مبدع شروع سال در این دوران محسوب می شده است.

(نقل از کتاب "زال زر و زرتشت، جلد دوم، صفحه 117 نوشته منوچهر جمالی"): "مهر روز را در روایتی ("دیو بند" گفته می شد، چون این روز در اصل، با "مهرگیاه" با بهروز و صنم= بهرام و ارتا یا بهرام و سیرغ این همانی داشته است. مهر یا میترا بن پیوند دو خدا با هم بوده است که با هم دیوند. ریشه واژه مهر، میترا "maetha" می باشد. که دارای دو معنای 1- جفت، 2- اتصال با هم است (یوستی)."

واژگان "میهمان"، "میهن"، "مهراب یا محراب" از واژه مهر یا میترا مشتق شده اند.

آبان (آناهیتا) (Avan)



آناهیتا، زیبا ایزد آب، رودخانه، نهرها و آبادی شمرده می شده است. گل نیلوفر آبی گل این ایزدست که تزئین بخش دست شاهان هخامنشی به قصد آرزوی باریدن باران و پیدایش خرمی بوده است. نام یونانی این ایزد افرودیت است که بعداً در ایران با کینه ورزی بدخواهان به قصد لکه دار کردن آناهیتا نام و لقب عفریته را بر او برگزیدند و به این وسیله آرزوی خود را تحقق بخشیدند.

آناهیتا (ایران)، افرودیت (یونان)، ونوس (رم)، ساراسواتی (هند)،
بن زای تن (ژاپن).

شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	آدینه
						1 (10/23) سپنتامینو (اورمزد)
2 (10/24) وهومینو (بهمن)	3 (10/25) اردیبهشت	4 (10/26) شهریور	5 (5/27) سپندارمذ	6 (10/28) خرداد	7 (10/29) امرداد	8 (10/30) ریم
9 (10/31) آذر	10 (11/1) آبان (آناهیتا)	11 (11/2) خور	12 (11/3) ماه	13 (11/4) تیر	14 (11/5) گش	15 (11/6) دی بمهر
16 (11/7) مهر	17 (11/8) سرو □	18 (11/9) رشن	19 (11/10) فروردین	20 (11/11) بهرام	21 (11/12) رام	22 (11/13) باد
23 (11/14) دی بدین	24 (11/15) دین (دائنا)	25 (11/16) آرد	26 (11/17) اشتاد	27 (11/18) آسمان	28 (11/19) زامیاد	29 (11/20) مارسپند
30 (11/21) انگرامینو						

جشن **آبانگان** در روز دهم از ماه آبان برگزار می گردد. این جشن در رابطه تنگاتنگ با رویدادهای تاریخی و زندگی مردم شکل گرفته و گرمی می داشته است. روایت است پس از آن که افراسیاب در جنگ ایران و توران اقدام به تخریب و ویرانی تمام قنات ها و کاریزها (راه آب زیر زمینی) کرد زو پسر طهماسب دستور لای روبی و بازسازی آن ها را داد و از آن زمان به بعد این روز را به نام ایزد آناهیتا نامیده و به بزرگداشت آن مرسوم کردند. روایت دیگر این است که چون در سرزمین آریائی پس از

هشت سال خشکسالی و قحطی بالاخره باران بارید و خشکسالی و بیماری و رنج از میان رفت مردم این روز را گرمی داشته به جشن و سرور و شادمانی پرداختند.



آذر (Adar)

آذر یا آتش (آگنی) از فرزندان اورمزد بشمار می آید ولی استوره آتش تاریخی بس کهن تر دارد. در متن های اوستائی آتش برای اولین بار توسط هوشنگ کشف و مورد پرستش قرار می گیرد. هوشنگ در هنگام شکار ماری را می بیند و بقصد کشتن آن سنگی را پرتاب می کند که بر حسب تصادف به مار اصابت نکرده بلکه به سنگی برخورد می کند و اخگری حادث می شود. اخگر حاصل در محل سبب آتش افروزی می شود که مورد شادی و رضایت هوشنگ قرار می گیرد. از آن زمان به بعد و با دستور هوشنگ ستایش آتش مرسوم و به احترام از آن جشن و نماز خوانی بر پا می شود.

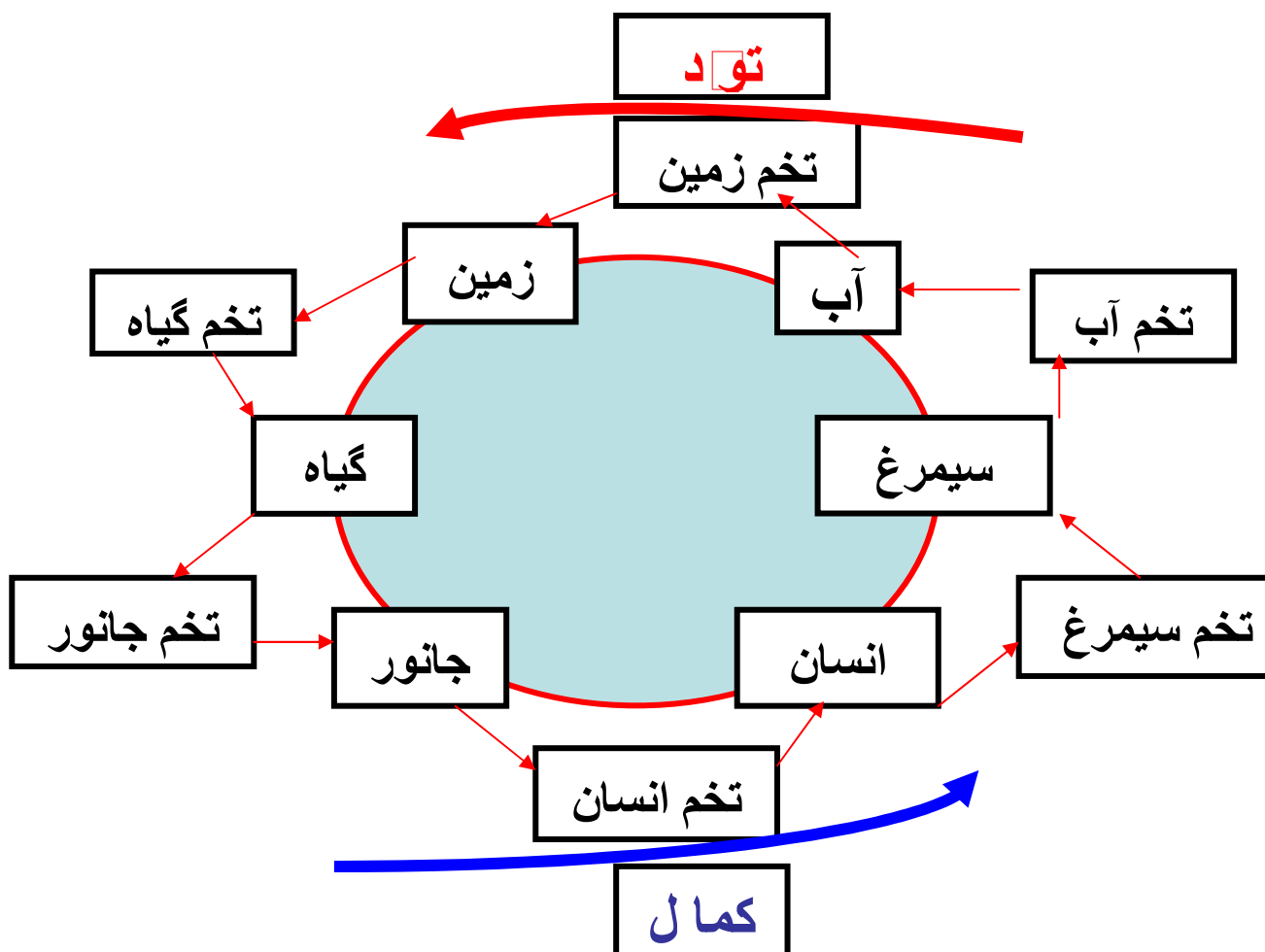
شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	آدین
	1 (11/22) سپنتامینو (اورمزد)	2 (11/23) وهومینو (بهمن)	3 (11/24) اردیبهشت	4 (11/25) شهریور	5 (11/26) سپندارمذ	6 (11/27) خرداد
7 (11/28) امرداد	8 (11/29) ریم	9 (11/30) آذر	10 (12/1) آبان (آناهیتا)	11 (12/2) خور	12 (12/3) ماه	13 (12/4) تیر
14 (12/5) گش	15 (12/6) دی بمهر	16 (12/7) مهر	17 (12/8) سرو □	18 (12/9) رشن	19 (12/10) فروردین	20 (12/11) بهرام
21 (12/12) رام	22 (12/13) باد	23 (12/14) دی بدین	24 (12/15) دین (دائنا)	25 (12/16) آرد	26 (12/17) اشتاد	27 (12/18) آسمان
28 (12/19) زامیاد	29 (12/20) مارسپند	30 (12/21) انگرامینو یلدا				

جشن **آذرگان** یا آذر جشن (دوم) در روز نهم از ماه آذر بر گزار می گردد. در منابع زرتشتی به انواع گوناگون آتش و جشن های مربوطه اشاره شده است. جشن آذر آئینی شامل آتش دادگاه، آتش آبران و آتش بهرام است. آتش دادگاه را مردم عادی پاسداری می کنند. آتش آبران که از چهار نوع آتش تهیه می شود. توسط روحانیون پاسداری می گردد ولی آتش بهرام که از قداست ویژه

ای برخوردارست از شانزده نوع آتش تهیه شده و با تشریفات خاصی پاسداری می گردد. نوع دیگر، آتش مینوی دارند که نیرو و انرژی پنج هستی بشمار می آید. 1- آتش برزيسوه (Barzisaavh) که در برابر اورمزد می سوزد. 2- آتش وهوفرپانه (Vohufrayana) که در تن مردمان و جانوران جای دارد (به عبارتی غریزه است). 3- آتش اوروازشته (Urvazishta) که در گیاهان است. 4- آتش وازیشه (Vazisha) که در ابرهاست؛ عامل رعد و برق. 5- آتش سپنیشته (Spanishta) که در کانون خانواده جای دارد.

در بُندهش می آید که اورمزد از روشنائی خود تنی کامل از آتش خلق می کند که از سر آن آسمان، از پای آن زمین و از دست چپ آن انسان (کیومرث) و از دست راست آن گاو آفریده می شود. از موی این تن آتشین گیاه و اشک آن آب پدید می آید. آتش قبله زرتشتیان است و در تمام دعاها و نیایش ها حضور آن ضروری است، پس باید روشنش نگاهداشت.

آتش مینوی یا آتش مجرد مفهومی است که از دوران بسیار کهن پیش از پیدایش آئین زرتشت در میان ایرانیان پیرو فرهنگ سیمرغی رایج بوده است. مردم باستان آفرینش را در شش گاهنبار می اندیشیدند. در پایان هر گاهنبار آتش یا انرژی تولید می شده است تا گاهنبار بعدی را فعال کند. در این هنگام مردم نیز در پاسداری این آتش (انرژی) به پایکوبی و شادی می پرداختند. آفرینش به ترتیب پیدایش: باد (وایو یا سیمرغ) - آب - زمین - گیاه - حیوان و بالاخره انسان کامل می شده است. این آفرینش خطی نبوده بلکه دورانی است. یعنی این که در دوره بعد انسان به (زنخدا) سیمرغ تبدیل شده تا چرخه آفرینش به روند دایمی ادامه دهد. در روند این چرخش، تحول و تکامل یا ژرف گرائی هستی ها تحقق می گیرد. (نقل از کتاب نوشته منوچهر جمالی)



انرژی هستی‌پیشین تخم زایش هستی‌پسین را

پرورش می‌دهد تا آفرینش و تکامل تحقق یابد.

جشن شب یلدا- شب یلدا آخرین و سی‌امین شب از ماه آذر، طولانی‌ترین شب در سال (طول تاریکی پانزده ساعت و 54 دقیقه) بشمار می‌آید. جشن یلدا در ایران امروز جشنی ملی و مردمیست و فارغ از انگاره‌های گوناگون در باره آن هر ساله برگزار می‌گردد. گو این‌که واژه یلدا از زبان سُرّیانی (یک لجه آرامی) و به معنای تولد گرفته شده است. روایت گوناگونی در باره این شب و روز به دنبال آن شده است که به اختصار شرح می‌دهیم.

1- ریشه شب یلدا یا "شب چله" را می‌توان در رویدادهای کیهانی و حرکت خورشید پیدا کرد. خورشید در آخر پائیز به پائین‌ترین نقطه خود در زاویه 23.5 درجه جنوب شرقی (انقلاب زمستانی) می‌رسد که این پدیده سبب کوتاه شدن روز و بلند شدن شب می‌گردد. ولی از روز اول دی (شروع زمستان) خورشید به سمت شرق- شمالی جابجا می‌شود که باعث افزایش تدریجی طول روز و کوتاهی شب می‌گردد. این دوباره نیرو گرفتن خورشید در میان مردم به زایش دوباره خورشید تعبیر شد و شب یلدا شب زایش با تمام بلندی آن گرمای داشته شد.

2- تعبیرهای (خرافی) از شب یلدا نیز روایت شده است. در شب یلدا رسم است که مردم هندوانه، انار و آجیل می‌خورند. خوردن انار از آن جهت است که مردم اجتماعات اولیه ایران باور داشتند در درخت انار روح باروری و زاینده‌گی وجود دارد، و دانه‌های فراوان میوه انار نشان از انتقال این روح از درخت به میوه آنست. علامت دیگر باروری و زاینده‌گی انار شکل گرد آنست که به پستان دختران نورسیده شباهت دارد. هندوانه هم که پر از تخمه است نشانه بروری و برکت انگاشته می‌شده است. خوردن آجیل هم در شب یلدا بر گرفته از این پندار بوده است زیرا که در ترکیب آجیل هم تخمه هندوانه به وفور یافت می‌شود. خوردن دانه‌های انار، هندوانه و آجیل روح باروری و زاینده‌گی آن‌ها را به انسان منتقل می‌کند. (این پارگراف از عباس احمدی نقل شد.)

3- از شب یلدا برداشت‌های دینی نیز وجود دارد که حائز اهمیتند. چون در فرهنگ‌های ایران باستان ایزد مهر با خورشید تابناک این همانی داده می‌شد شب یلدا به شب تولد مهر تعبیر شد. شب یلدا شب زایش خدای مهر، شب پر از شادی، نویدبخش، پر برکت و روشنایی است. مردم سراسر شب یلدا را به قصد استقبال از طلوع آفتاب به خوردن هندوانه، انار و سنجد و آجیل شب زنده‌داری می‌کنند. ظاهراً هندوانه و انار و سنجد را بخاطر همسان بودن سرخی آن‌ها با روشنایی خورشید صرف می‌کنند. در شب یلدا مردم به بلندی‌ها و کوه‌ها می‌روند تا ستاره ایزد مهر، تیشتر یا شباهنگ که در آسمان تاریک درخشش چشمگیر دارد را رویت کنند. این ستاره در زاویه 20 درجه جنوب شرقی می‌درخشد. بنای ساختمان‌ها در جهت رویت سهل این ستاره نشانه اهمیت و گرمای داشت تولد ایزد مهر بوده است. به باور برخی از پژوهشگران¹ بنای خود تخت جمشید (پارسه) در زاویه رویت ستاره تیشتر ساخته شده است. با گسترش آئین میترائیسم در جهان، نفوذ باورهای مهر پرستی در بودیسم ژاپن نیز بوفور قابل مشاهده است. در قرون ششم و هفتم میلادی ساختن معبد‌ها و قبر سلاطین در جهت رویت ستاره تابناک میترآ در ژاپن رواج داشته است (همانجا).

¹ کتاب "آسکا، شهر Sirius" نوشته شین ایچی رو کوری موتو (Shinichi Kurimoto) به ژاپنی.

- 4- "صحبت حکام شب یلدا": پادشاهان که نسخه زمینی خدای آسمان (خورشید) بشمار می آمدند هر سال در روز اول زمستان تعویض و جوان می شدند. جوانی که قرار است در مسند شاه بنشیند شاه پیر را می کشد و خود با الهام از نوزادی خورشید سرسبز بر کرسی سلطنت جلوس می کند (نقل از عباس احمدی).
- 5- در غرب بعثت اشتباهات در محاسبه کیسه ها تولد مهر یا میترا را برابر با 25 دسامبر (بجای 22 دسامبر) قرار دادند و این روز را به تولد عیسی نسبت دادند.

دی (Dae)



دی یا دی به یکی از صدها نام زرخدای ایران باستان سیمرغ بی نام (انامک) بوده است. دی را همزاد واژگانی از جمله دا، دادار، دید، دیدن، دین، داننا، دیو و دیه، دانو (تانو) می دانند. زرخدای ایران باستان با دین مردم یکی بوده است. با خدا یکی شدن دین بوده است. به عبارتی دین، دین روی زیبای خدا در خود بوده است. با ظهور آئین زرتشت اهورامزدا در رأس تمام آفریده ها قرار می گیرد و دی بدین (روز بیست و سوم) و دی بمهر (روز پانزدهم) به معنی آفریننده اورمزد گرامی داشته می شود.

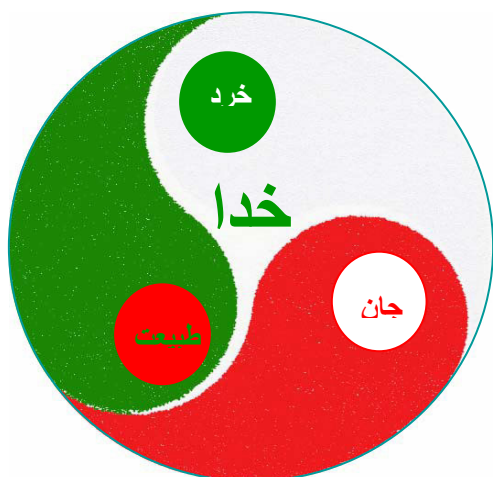
اثری هنری از عصر ساسانیان- نگار سیمرغ "Simurv" در مرکز اثر دیده می شود.

شنبه یکشنبه دوشنبه سه شنبه چهارشنبه پنجشنبه آدینه

			1 (12/22) سپنتامینو (اورمزد)	2 (12/23) وهومینو (بهمن)	3 (12/24) اردیبهشت	4 (12/25) شهریور
5 (12/26) سپندارمذ	6 (12/27) خرداد	7 (12/28) امرداد	8 (12/29) ریم	9 (12/30) آذر	10 (12/31) آبان (آناهیتا)	11 (1/1) خور
12 (1/2) ماه	13 (1/3) تیر	14 (1/4) گش	15 (1/5) دی بمهر	16 (1/6) مهر	17 (1/7) سرو □	18 (1/8) رشن
19 (1/9) فروردین	20 (1/10) بهرام	21 (1/11) رام	22 (1/12) باد	23 (1/13) دی بدین	24 (1/14) دین (داننا)	25 (1/15) آرد
26 (1/16) اشناد	27 (1/17) آسمان	28 (1/18) زامیاد	29 (1/19) مارسپند	30 (1/20) انگرامینو		

جشن **دیگان** در روز بیست و سوم از ماه دی برگزار می شود. ابوریحان بیرونی در باره دی روز چنین می گوید: "... در این روز عادت ایرانیان چنین بوده است که پادشاه از تخت پادشاهی پائین می اید و جامه ای سفید می پوشید و در بیابان بر فرش های سپید می نشست و دربان و یساولان را که شکوه پادشاه با آن هاست به کنار می راند و هر کس که می خواست پادشاه را ببیند، خواه دارا و خواه ندار، بدون هیچ گونه نگهبان و پاسبان نزد شاه می رفت و با او به گفتگو می پرداخت. و در این روز پادشاه با برزگران می نشست و در یک سفره با آن ها خوراک می خورد و می گفت: من مانند یکی از شماها هستم و با شماها برادرم، زیرا استواری و پایداری جهان به کارهایی است که به دست شما انجام می شود و امنیت کشور نیز با من است، نه پادشاه را از مردم گریزی است و نه مردم را از پادشاه...." (تارنمای آریابوم). روز "دی بمهر" برای باز شناختن روز پسین "دین (داننا)" نام گذاری شده است.

بهمن (و هومینو) (Bahman)



بهمن معلوم مجهول نام گرفته است. در همه جا حضور دارد ولی قابل لمس نیست. بهمن عامل اتصال، پیوند و چسبندگی است. "میان" نماد بهمن است. با در میان قرار گرفتن بهمن پیوند حاصل می شود. از این زاویه، بهمن (برف) هم به معنای پیوسته شدن و چاق گردیدن پاره های برف است. بهمن در میان ماه دی و اسفند باعث پیوستگی زمان می گردد. در متن های زرتشتی بهمن نماد اندیشه و منش نیک در آسمان و حامی چارپایان بر روی زمین است.

جوهر حقیقت (خدا) به مانند شیر خورده، سه قلمروی طبیعت، جان و خرد را به هم پیوند می دهد. هر قلمرو در ارتباط با قلمروی دیگر پیدایش، رشد و انسجام می یابد.

شنبه یکشنبه دوشنبه سه شنبه چهارشنبه پنجشنبه آدینه

						2 (1/22) و هومینو (بهمن)
3 (1/23) اردیبهشت	4 (1/24) شهریور	5 (1/25) سپندارمذ	6 (1/26) خرداد	7 (1/27) امرداد	8 (1/28) ریم	1 (1/21) سپنتامینو (اورمزد)
10 (1/30) آبان (ناهیته) سده	11 (1/31) خور	12 (2/1) ماه	13 (2/2) تیر	14 (2/3) گش	15 (2/4) دی بمهر	16 (2/5) مهر
17 (2/6) سرو □	18 (2/7) رشن	19 (2/8) فروردین	20 (2/9) بهرام	21 (2/10) رام	22 (2/11) باد	23 (2/12) دی بدین
24 (2/13) دین (دانا)	25 (2/14) آرد	26 (2/15) اشتاد	27 (2/16) آسمان	28 (2/17) زامیاد	29 (2/18) مارسپند	30 (2/19) انگرامینو

جشن **بهمنگان** یا بهمنجه در روز دوم از ماه بهمن برگزار می گردد. از چند منبع نقل می کنیم: در "خرده اوستا" آمده است که چون بهمن موکل و نگاهبان چارپایان است باید در این روز از خوردن گوشت حیوانات پرهیز کرد. آثار و الباقیه نوشته است که بهمن نام فرشته ایست که موکل بهایم است و مردم فارس در این روز غذائی از جمع دانه های ماکول با گوشت می پزند و با شیر پاک می خورند زیرا عقیده دارند که این غذا بر حافظه آن ها می افزاید.

ابوریحان بیرونی در کتاب "التفهیم" می نویسد که مردم در این روز بهمن سفید(نام گیاهیست) را با شیر خالص پاک می خورند و می گویند که این خوراک حافظه را تقویت می کند.

سده - جشن سده یا سده سوزی یکی از جشن های گرامی و ملی در ردیف نوروز و مهرگان ایرانست که از زمان های کهن در این سرزمین به یادگار برگزار می شده است. سده در روز دهم ماه بهمن، روز آبان یا آناهیتا، چهل روز بعد از یلدا مخصوصاً در میان پیروان آئین زرتشت هر ساله گرامی داشته می شود. در باره واژه "سده" نظرات متفاوتی بیان شده است. بنابر نظر دکتر مهرداد بهار "سده" به چم(معنی) پیدایش و آشکار شدن است و جشن سده برگزاری روز چهل ایزد مهر(شب یلدا) انگاشته می شود. بیرونی "سده" را برابر با عدد صد دانسته و گفته است که هر گاه بشمارند تا نوروز؛ صد شب و روز بدست می آید. یا این که سده مصادف با صدمین روز از فصل زمستان در تقویم کهن ایرانیان باشد. در تقویم کهن دو فصل یا چهره وجود داشته است. فصل اول تابستان هفت ماه سی روزه و فصل دوم زمستان پنج ماه سی روزه بوده است. در باره این جشن انگاره ها و تعبیرهای گوناگونی می شود که در دنباله مختصراً به آن ها اشاره می کنم.

1- سده در قلمروی استوره(نقل از نوشته های منوچهر جمالی): "سده به چم"سه داه" یا سه خداست. خدایان مشهور ایران باستان سیمرغ و رام(سپنتامینو) و بهرام(انگرامینو) و بهمن(وهومینو) در هم آهنگی با هم سه تایی یکتا را می آفریدند. روایت است که رپیتاوین(دختر زیبای پانزده ساله= یکی از چهره های سیمرغ) در روز سده به زیر زمین می رود و با نواختن ساز زمین را آماده سرسبزی و بهار می کند. در روز نخستین بهاری، نوروز، به روی زمین پدیدار می شود و به افشاندن تخم های بارور خود ادامه می دهد."

روایت است که در این روز زادگان کیومرث(نخستین انسان در آئین زرتشت) درست صد تن شدند و یکی از خود را به همه پادشاه گردانیدند.(نقل از التفهیم)

در باره آتش افروختن در این روز روایات متفاوتی شده است. یکی از این روایات در رابطه فریدون شاه با ضحاک بیان می شود. وقتی فریدون بر ضحاک ظالم پیروز شد دستور داد تا جشنی با افروختن آتش برگزار کنند. روایت دیگر این که ضحاک وزیری داشت به نام ارمائیل که موظف شده بود هر روز مغز دو نفر را برای مارهای ضحاک آماده کند. ارمائیل هر روز از بین دو نفر، مغز یکی را آماده می کرد و با زیرکی نفر بعدی را آزاد می کرد و به قله دماوند می فرستاد. پس از شکست ضحاک بدست فریدون، ارمائیل به خاطر آزار مردم و هدیه مغز آن ها مورد غضب فریدون قرار گرفت اما ارمائیل مدعی شد که نیمی از افراد را نجات داده است. او به نشانه گواهی بر ادعای خود به افرادی که در کوه دماوند انتظار می کشیدند پیغام فرستاد تا بر بام خانه های خود آتش بیاورزند. از آن پس رسم آتش افروزی رایج گشت. حکایت شده است که فریدون شاه اولین کسی بوده است که آئین مهرپرستی را معرفی می کند و در پیش این باورمندان خورشیدی با ایزد مهر این همانی داده می شود و آتش نمادی از خورشید تعبیر می گردد. رسم آتش افروزی باید ریشه ای کهن تر از ظهور و ستایش آن در آئین زرتشت باشد.

در روایت دیگری هوشنگ از پادشاهان پیشدادی زمانی که برای شکار پلنگ به صحرا می رود با ماری روبرو می شود و بقصد کشتن سنگی به طرف آن پرتاب می کند. اما این سنگ به مار اصابت نمی کند بلکه به سنگ دیگری برخورد کرده و سبب ایجاد جرقه می شود. جرقه سبب آتش سوزی بته های اطراف می شود. هوشنگ از دیدن آتش فراوان شادمان می گردد و دستور می دهد آن روز را گرامی بدارند و هر سال جشن آتش را برگزار کنند(نقل از شاهنامه فروسی).

2- سده در آئین های مذهبی- با وجود این که در متن های زرتشتی نامی از رسم سده یاد نشده است ولی زرتشتی ها مخصوصا در کرمان هر ساله این جشن را با عظمت برگزار می کنند. آتش نماد روشنائی، پاکی، نشان تعادلی اهورامزدا انگاشته می شود. با ایجاد کپه های عظیم آتش موبدان لباس سفید با زمزمه نماز نیایش یاد کرده و مراسم با شکوهی را برگزار می کنند که مردم خاکستر بجای مانده را به نشانه پایان گرفتن سرمای زمستان به کشتزارهای خود می برند(پ- یغمائی). مردم در حین پایکوبی عبارت "سد به سده، سی به گله، پنجاه به نوروز" را تکرار می کنند.



اسفند (ASpandarmad)

اسفند یا اسپندارمذ نام امروزی خدای نگهدار زمین، سپنته آرمیتی است که زهدان یا محافظ با وفای تخم های خود باور سیمرغ، زرخدای آسمان ها بر روی زمین است. آرمیتی از ویژگی دایگی و مادرانه که نشان از مهر و عشق لبریز است برخوردار می باشد. پاک نگاهداشتن زمین از آلاینده ها، پرهیز از دفن اجساد در زمین که در آئین زرتشتی نیز مقرر گردیده است نمونه هائی از ادای احترام به این خدای نگهدارنده زمین است.

آتوسا دختر کوروش بزرگ با گل نیلوفر آبی در دست.

شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	آدینه
1 (2/20) سپنتامینو نوروز	2 (2/21) وهومینو (بهمن)	3 (2/22) اردیبهشت	4 (2/23) شهریور	5 (2/24) اسپندارمذ	6 (2/25) خرداد	7 (2/26) امرداد
8 (2/27) ریم	9 (2/28) آذر	10 (2/29) آبان (آناهیتا)	11 (3/1) خور	12 (3/2) ماه	13 (3/3) تیر	14 (3/4) گش (گوش)
15 (3/5) دی بمهر	16 (3/6) مهر (میترا)	17 (3/7) سروش	18 (3/8) رشن	19 (3/9) فروردین	20 (3/10) بهرام	21 (3/11) رام
22 (3/12) باد	23 (3/13) دی بدین	24 (3/14) دین (دئنا)	25 (3/15) آرد	26 (3/16) اشتاد	27 (3/17) آسمان	28 (3/18) زامیاد
29 (3/19) مارسپند						

جشن **اسفندگان** در پنجمین روز از ماه اسفند در روز اسفندارمذ برگزار می شود، ولی متأسفانه آگاهی چندانی از چگونگی برگزاری آن در دست نیست. تنها منبعی که به این جشن اشاره دارد ابوریحان بیرونی است که از این جشن به نام جشن مردگیران یاد می کند. در این روز مردان پنج روز نخست از ماه اسفند را بجای زنان وظایف آن ها را انجام می دهند، و کاملاً در تحت انقیاد آن ها در می آیند. افزون بر این مردها هدایائی شایسته به زنان تقدیم می کنند. با این کار هم زحمات و فعالیت زنان در خانه را تجربه می کنند و هم تلاش و کوشش یکسال آن ها را ارج می نهند، حتا بمدت کوتاهی هم که شده موجب راحتی و استراحت آنها می شوند. شباهت این جشن با مراسم والتاین یا روز عشاق در 14 فوریه و 14 مارس هر سال در غرب قابل توجه است. (تارنمای فرهنگ ایران باستان)

دکتر جلال خالقی مطلق بررسی دقیقی در باره این جشن انجام داده است که نقل آن در صفحه اینترنتی "برای یک ایران"² منتشر شده است. طبق پژوهش های دکتر خالقی ویژگی این جشن فهرست وار به گونه زیر است:

- 1- جشنی بهاره بوده و در آستانه سال نو در روز اسفند از ماه اسفند (پنجم اسفند) برگزار می شده است.
- 2- جشنی ویژه زنان بوده است.
- 3- در این جشن مردان به زنان بخشش می کردند و آن را "مرد گیران" می نامیدند، چون زنان از مردان آرزوها می خواستند.
- 4- زنان خود را می آراستند و در طول روز در کوی و برزن به پایکوبی و افسانه گوئی و شادی می پرداختند.
- 5- در پایان آن روز، رفتن به آتشکده برای توبه از گناهان کرده یا ناکرده نیز جزء برنامه این جشن بود.
- 6- دختران نیز از این جشن سهمی داشتند چون برخی این جشن را ویژه "عروسان نادیده شوی"، یعنی "دختران شوهر نکرده" دانسته اند. دختران در هر نوبهار جشن می گرفتند و به کام دل شادی می کردند.
- 7- در این روز زنان کوی و بازار را از نظم و قانون هر روزه می انداختند و در واقع زنان در آن روز حاکم شهر بودند.
- 8- دختران و زنان در جشن دسته های گل به دست می گرفتند.

چهار شنبه سوری- در ایران امروز جشن چهارشنبه (یا چارشنبه) سوری (جشن، سرخی) در شامگاه سه شنبه هفته پیش نوروز بر پا می شود که حاوی مراسم آتش افروختن و پریدن از روی آن و دیگر مراسم متنوع است. ظاهراً جشن چارشنبه سوری به شکل کنونی آن تاریخ کهنی ندارد ولی مراسم آتش افروختن چند روز قبل از نوروز در قدیم هم رواج داشته است. جشن آتش افروختن ایرانی ها در هنگامه قبل از نوروز یکی از چهار رسم آتش افروزی در ردیف جشن های شهریورگان، آذرگان و سده است.

در زمان ساسانیان زرتشتی ها ده روز قبل از نوروز را در حیاط و یا روی بام خانه های خود آتش می افروختند و باور داشتند که فروهرها در این زمان خود را مهبای بازگشت بر روی زمین می کنند تا به باز ماندگان خود به پیوندند. مردم برای نشان دادن آمادگی به پذیرائی و استقبال از آن ها جشن آتش بر پا می کردند.

مراسم سالانه ی استقبال از بازگشت ارواح رفتگان خود در ماه ژوئیه در ژاپن از عصر کهن معمول است که به آن "اُبن (Obon) می گویند. نفوذ فرهنگ ایران باستان در این رسم توسط پژوهشگران³ به اثبات رسیده است.

نظریه ی دیگر در چندی و چونی برگزاری جشن آتش قبل از نوروز به چگونگی گاهشمار ایرانیان باز می گردد. چون گاهشمار ایرانیان از دوازده ماه سی روزه ترکیب شده است (360 روز) پنج یا شش روز آخر سال را به پنجه اندرگاه (پنجه مسترقه) موسوم است جشن می گرفتند و با آتش افروختن به پیشواز سال نو می رفتند.

از آن جایی که در فرهنگ ایرانیان آتش نماد پاکی، روشنائی، زاینده گی و آفرینندگی، حرارت و نیرو قلمداد می شود بر پائی جشن و مراسم آتش افروزی همیشه بقصد گرفتن الهام از طبیعت آتش و یکپارچگی با آنست.

امروزه در مراسم چارشنبه سوری مردم با جمع کردن بته و شاخه های خشک درختان کپه آتش می سازند و از روی آن می پرند و عبارت "زردی من از تو، سرخی تو از من" را تکرار می کنند. ضعف و بیماری، ناپاکی ها و رنج های روزانه را به آتش می

² <http://www.foroneiran.com/index.php/article/print/5823/>

³ از جمله استاد بازنشسته ی زبان فارسی دانشگاه اوساکا Eiichi Imoto

سپارند و حرارت و نیروی حیات بخش آتش را طلب می کنند. تعداد کپه های آتش عدد فرد (سه، پنج، هفت...) باید باشد (عدد فرد نماد مادینگی). افزون بر این خاکستر آتش که پس از پایان مراسم مملو از بلا و ناپاکی شده است باید به مکان دوری برده شود، یا در آب روانی جاری گردد. زنی که زحمت انتقال خاکستر را می کشد وقتی به خانه خود باز می گردد به اهالی خانه می گوید که از مجلس عروسی باز می گردد و با خود برای همگی سعادت و شادمانی به ارمغان آورده است.

در آئین زرتشتی از روی آتش پریدن بی احترامی به آتش تلقی می شود. آتش در باورهای زرتشتی مقدس است و آن چه که مقدس است نباید لمس شود، آلوده به غیر جنس خود شود. این باور بخوبی نشان می دهد که رسم چارشنبه سوری ریشه ملی ایرانی دارد و با باورهای دینی همخوانی ندارد.

علاوه بر پرش از روی آتش در این شب مراسم قاشق زنی، فال گیری، فالگوش ایستادن (یا نشستن)، شکستن کوزه های کهنه و آماده کردن کوزه نو، اسپند دود کردن و آجیل خوردن و هفت قلم آرایش خانم ها (با وسمه، سرمه، حناء، سفیدآب، سرخاب، غالیه و زُرک) نیز در سطح ملی رواج داشته است، امروزه هم در قسمت هایی از ایران رواج دارد.